

نماز سوم (جمعه ۱۹ مرداد ۱۳۵۸ - ۱۶ رمضان ۹۹)

"بسم الله الرحمن الرحيم - الحمد لله رب العالمين، باري الخلائق اجمعين،  
فاطر السموات والارضين، اشهدانه لا اله الا هو وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد،  
يحيى ويميت ويميت ويحيى وهو حي لا يموت بيده الخير وهو على كل شيء قدير.  
ونصلي ونسلم على عبده ورسوله، السراج المنير، رحمة للعالمين وبشيرا "ونذيرا"  
للناس اجمعين، وعلى آله واصحابه و خلفائه والائمة المعصومين من ولده الذين هم كلمة  
التقوى وأعلام الهدى العروة الوثقى والحجج على اهل الدنيا وعلى القائم بالحق  
الحاكم باكتاب، الحابس نفسه على ذات الله آخر خليفته وحججه على عباده، اعوذ  
بالله من الشيطان الرجيم

"يا ايها الذين آمنوا استجبوا لله وللرسول اذا دعاكم لما يحييكم واعلموا ان  
الله يحول بين المرء وقلبه وانه اليه تحشرون. واتقوا فتنة لا تصيبن الذين ظلموا منكم  
خاصه واعلموا ان الله شديد العقاب. (انفال / ۲۴ و ۲۵).

ای کسانی که به یک حقیقت برتر و عالمی و جهانی بالاتر، و برای انسان مقامی  
والا تر، معتقدید، ایمان آورده اید، اجابت کنید، بپذیرید خدا و رسول را آنگاه که شما  
را می خوانند و آنچه را که شما را زنده می دارد. آنچه را که دعوت دین و کتاب ما  
و پیغمبر ما و اولیاء ما بر آن است زنده نگهداشتن و رو به زندگی بردن مردم است.

معتقدات ما، احکام ما، دستورات ما، عبادات ما، زندگی اجتماعی ما، بر محور  
حیات است و حرکت حیات سری است، مرموز. اثر ظاهر حیات حرکت است و رشد است و  
نمو - دفع و جذب - یک موجود زنده دارای چنین خاصیتی است: دفع از ناملایم، غیر  
صالح، نامتناسب، و جذب آنچه که ملایم است و متناسب است برای رشد و نمو. دعوت ما،  
دعوت انبیاء بر همین اساس است که انسانها زنده شوند. انسانها که غرائز، شهوات، شرک،



آنها را از حرکت و نمو باز داشته است ، رو به حیات و حرکت بروند . چه زندگی فردی چه زندگی اجتماعی . یک فرد زنده ، اولین اثر زندگی در انسان زنده و در فرد زنده همین است که آنچه را که مانع رشد و حرکت فکری اوست دفع کند و آنچه برای رشد و حرکت فکری و اخلاقی اوست جذب کند . یک تجمع زنده این خاصیت را باید داشته باشد یعنی : حرکت حیاتی : شکوفاشدن استعدادها و جذب آنچه از علوم و سرمایه های طبیعی برای رشد خود ( لازم دارد ) و دفع آنچه که ناملایم است ، نامتناسب است . هر قانونی هر رهبری ، هر اندیشه ای که انسانها و جامعه را زنده کند همان قانون خداست . قانون خدا برای زنده نگه داشتن و رو به زندگی بردن بیشتر فرد و اجتماع است . پس هر قانونی که فرد و اجتماع را زنده بدارد ، هر چه خاصیت دفعی و جذبی او را قوی تر کند زنده تر و پایدار تر است . قوانین اساسی ما باید بر همین پایه باشد ، اگر در نصوص ما و در روایات ما و سنت ما درباره مسائل روز صراحتی نباشد ( زنده کننده به شمار نمی آید ) ، این معیار قانون اساسی یک اجتماع ایمانی و زنده است یعنی هر قانونی که جامعه را از تهاجم و از ناملايمات و از فساد حفظ کند و آنچه صالح است جذب کند آن قانون ، قانون خدا است معیار قانون ما ، قانون اجتماعی ما ، قوانین فردی ما همین است .

"واعلموا ان الله يحول بين المرء و قلبه ، بدانید که گاه شما از درون قلب خود بیخبرید . شرک ، فساد و گناه ، حرکت قلبی و وجدانی شما را از کار می اندازد و بدانید که منتها الیه چشم انداز حرکت شما به طرف حق است .

"وانه اليه تحشرون ، و اتقوا فتنة لا تصيبن الذين ( ظلموا ) منكم خاصه .

در برابر فتنه ها ، تحریکات نباید ساکت بنشینید نتیجه فتنه ها عذابهایی است که به اجتماع برمی گردد و اجتماع را دچار انحطاط ، سقوط و رکود خواهد کرد و کسانی که در برابر فتنه ها ساکت می نشینند این را بدانند که نتیجه فتنه ها فقط به ظالم ها بر نمی گردد .

و اتقوا فتنة لا تصيبن الذين ظلموا منكم خاصة و اعلموا ان الله شديد العقاب .

غفر الله لنا و لكم و وقفنا لما يحينا و لما يحب و يرضى .

والسلام عليكم و رحمت الله و بركاته



## خطبه دوم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي يسبح له ما في السموات وما في الارض الملك القدوس ، العزيز الحكيم  
والصلوة والسلام على نبيه ، المبعوث ، ليتلوا على الناس آياته ويزكيهم ويعلمهم الكتاب  
والحكمة وان كانوا من قبل لفى ضلال مبين .

والصلوة والسلام على جميع الانبياء والمرسلين والملائكة المقربين واولياء الله  
الطيبين الطاهرين وعلى الحاضرين ورحمة الله وبركاته .

تسبیح ، تسبیح لله ما فی السموات و ما فی الارض . آنچه در آسمان ها و زمین  
هستند تسبیح گویانند و عملشان ، به شعور طبیعی و فطری ، در حد وجودی که دارند، تسبیح  
خدای می گویند ، ولی ما درک نمی کنیم .

جمله ذرات زمین و آسمان با تو می گویند پیدا و نهان

ما سمیعیم و بصیریم و هشیم با همه نامحرمان ما خامشیم

این دید وحی ، دید قرآن است ، دید جهان بینی ماست ، همه عالم در حرکت اند  
و همه ذرات کوشش دارند که خود را ، از بدی ، از پلیدی ،<sup>۴</sup> از نقص برهانند ، یک آن  
سکون و بی حرکتی نیست . حرکت در چه جهت ؟ در جهت قدرت ، در جهت تنزه ، در جهت  
پاکی و کمال . این حقیقت تسبیح است که همه عالم را فرا گرفته .

من فی السماوات ومن فی الارض ، ما فی السماوات و ما فی الارض ، من فی السماوات  
و من فی الارض ، ما فی السماوات و ما فی الارض .

همین زمین که ما را دربر گرفته ، مادر بزرگ ماست و همه موالید با این حرکات  
خود را در آغوش گرفته است و در این فضا با چه سرعتی در حرکت است ،<sup>۵</sup> و فراورده های  
مختلف ، گوناگون ، تسبیح گوست یعنی دائما " موالید خود را از روشنائی به تاریکی برای  
سکون و آرامش ، از تاریکی به روشنائی ، از سردی به گرمی و حرارت ، از حرارت به سرما برای  
اینکه موجودات آرامشی پیدا کنند .

در هر نقطه زمین که نگاه بکنیم ، می بینیم یک نقطه تاریک ، یک نقطه روشن ، یکجا  
شب است ، یکجا روز ، یکجا زمستان ، یکجا تابستان ، یکجا بهار ، یکجا پاییز . این در حرکت  
زمین است . حرکت تسبیحی که با طرب در این عالم ، در این فضا دارد سیر می کند و موالید  
خود را می پروراند و از ضعف می رهند و به سوی کمال و به سوی بقاء پیش می برد ،  
اما در میان این عالم که همه تسبیح گو هستند زمین و آسمان و نسیم و حرکت



دریاها و طوفانها، همه برای پاک کردن ساحت عالم از پلیدی و نقص و فساد است، یک موجود به اسم انسان در وسط این عالم خود را با اختیار و اراده، ناقص می داند به پلیدی ها خود را آلوده می کند، غرائز و شهواتش بر عقل و فطرتش غالب می شود. اسلام، قرآن می گوید "هو الذی، همان خدا، همان خدائی که یسبح له ما فی السموات و ما فی الارض همان خدائی که الملك القدوس العزیز الحکیم از همان مبدء عزت، حکمت، قدوسیت، ملوکیت، برانگیخت پیامبری را تا این انسانهای واژگون، انسانهای راکد، انسانهای ساکن، انسانهای آلوده به شرک و کفر و گناه و پلیدی را برهاند و هماهنگ با همه عالم کند. همه عالم با هم هماهنگ اند. ولی انسان است که ناهماهنگ، خود را با حرکت و نظام عالم می نماید. هو الذی بعث فی الامیین. همان خدا، همان خدا برانگیخت در میان مردمی امی، مادرزاد، بی سواد، مردمی که در تحت تأثیر هیچ قانون و نظامات معمول بشری نبودند، مردمی که متأثر از هیچ علم و مکتبی نبودند، مردم فطری، مردمی که خودشان بودند و فطرتشان در مقابل این جهان بزرگ و جهان عظیم در میان چنین مردمی، از میان چنین مردمی، برانگیخت رسولی را: هو الذی بعث فی الامیین رسولا "منهم

از روم و ایران و مکتبهای دنیا و مردمی که تحت نفوذ و قدرت قوانین و حاکمیت نظامات معمول اجتماعی بودند برنینگخت، مردمی که در بیابان زندگی می کردند، فطری بودند، خودشان بودند و این عالم، در میان اینها برانگیخت پیامبری را تا آنانرا تزکیه کند. قضاوت درست از همین مردم است، آن مردمی که می توانند حق را درست بفهمند آنهایی هستند که تحت تأثیر مکتبی و نظاماتی و قوانینی واقع نشدند، قوانین غیر الهی. آنهایی که خون می دهند، آنهایی که صدای انبیاء را درست می فهمند، درک می کنند، با تمام شعورشان همین مردم امی هستند. درس خوانده های ما اغلب گرفتار چهار چوب دیدهای مکتبی خودشان هستند، آنهایی که در نظامات دنیا واقع اند، تحت تأثیر قدرتهای طاغوتی اند و سایه این قدرتها بر فکر و اندیشه و فطرتشان گسترده شده، مگر به این زودی می توانند باور کنند، مگر جامعه ما اکثرا "می تواند به این زودی باور کند که جامعه ای آزاد است و باید رو به تزکیه برود؟ هنوز سایه طاغوت و شرک و شاهنشاهی ۲۵۰۰ ساله در اکثر افکار باقی است، باید یک نسلی یک دوره ای و یک تحولاتی تا بتدریج این رسوبات برطرف شود، تا تزکیه بشوند. این درگیریها، این دعواها، این جنگها، این ناباوریها، این دروغ گفتن به یکدیگر، شهرت طلبی اینها همه از آثار سایه طاغوت است. یک نظام فرو ریخت ولی گرد و غبارش هنوز در چشمهای ما هست، دور خودمان می گردیم به همدیگر تنه می زنیم،



توسرهمدیگر می‌زنیم، اکثرا "یک حقیقت را می‌خواهیم و آن نجات از تاریکی به‌نور است. **"الله ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور"** چرا، برای اینکه هنوز در گردوغبار آثار خرابه‌ء طاغوتیها و استبدادها هستیم. هنوز ما می‌خواهیم به یکدیگر حاکمیت داشته باشیم، آن حزب به آن حزب، آن جمعیت به آن جمعیت، آن فرد به آن فرد. "لیزکیهم" تا این مردم فطری را تزکیه کنند، عقول اینهارا از شرکهای که وارد شده در جزیره العرب، پاک‌کند، نفوس اینهارا از رذائل خلقی منزّه بدارد اجتماع اینهارا از فاسد و مفسد و مستکبر و خودخواه و مستبد و مستأثر و ظالم یکسره پاک کند.

این هدف این نبوت است، هماهنگی با عالم، تزکیه نفوس و اجتماع، تزکیه عقول، تزکیه انسانها از آثار شرک؛ لیزکیهم. "یتلو علیهم آیاته" مرحله اول تلاوت آیات است. یعنی آشنا کردن انسان با این جهان بزرگ، انسانی که در پوست خودش منزوی شده و خودش و جهان را فراموش کرده، این آیاتی که آیت و آیات وحی است و مترجم آیات وجود است، این آیات را پی در پی تلاوت می‌کند تا مغزها آماده شود، تا ارواح آماده بشود، تا نفوس آماده و تزکیه بشود، تا تابش وحی (بر آن بتابد) همانطوری که یک زمینی را اگر بخواهید برای کشتی مستعد کنید باید قبلا "مدتها در پرتو نور قرار بدهید تا زمین آماده بشود" **"یتلو علیهم آیاته"**

آیات وحی یعنی آیات وجود را بر اینها تلاوت کند تا ذهنها پاک بشود. انسانی که از خود و جهان بیگانه شده، با عالم آشنا بشود، با این ستاره‌ها، با این حرکات شبانه روز، با این نظامات عالم، با همه اینها آشنا بشود، جزء عالم بشود. انسانی که خودش را از عالم به‌کنار کشیده و در افکارش، در شهواتش و در تخیلاتش منزوی شده - **"یتلو علیهم آیاته"**.

بعد از تلاوت آیات، تزکیه است زمین را باید پاک کرد، از علفهای هرزه، از ریشه‌های بی‌مصرف و بیخود، از سنگ و کلوخ و خاکهای نامساعد پاک کنند. این مرحله دوم "یزکیهم"، بعد آماده شدن. هدف نهائی چیست؟

**"یعلّمهم الکتاب و الحکمه"** همه دارای عقل صحیح بشوند، همه درست قضاوت کنند، همه، همه چیز را درست بفهمند، کتاب، قوانین، نظامات زندگی، سنن عالم را خوب درک کنند و عقلها و افکار شکوفا بشود و دارای حکمت، عقاید محکم، اخلاق محکم، پابرجا و ریشه‌دار (بشوند).

این نتیجه بعثت این پیغمبر است، اگر اجتماع را می‌خواهد از ظلم و استثمار و استعمار پاک کند، تنها این نیست که خوب بخورند. تنها این نیست که همه زندگیشان از جهت



مادی مرفه‌شود. این مقدمه است، تزکیه مقدمه است برای یک هدف نهائی و عالی، و آن تعالی انسانهاست به طرف علم و حکمت. این دید ماست. این مکتب ماست، این شناخت ماست. هرکه با این دید موافق است با مکتب ما موافق است.

"یعلمهم الکتاب والحکمة وان کانوا من قبل لفی ضلال مبین و آخرین منهم لما یلحقوا بهم."

پیشتازان مجتمع عالی اولی از این مردم تشکیل شد. از این پیشروان، از این مردان حق، از این تزکیه شده‌ها، از این مردمی که وحی مثل کبریتی بود که یک مرتبه آنان را مشتعل کرد. آن صداقتی که از این نبی دیدند. آن راستی، آن اعجاز وحی یک مرتبه تمام جزیره العرب را محترق کرد و پیش رفتند. عده‌ای از پیشروان، پیشتازان بودند، این وحی، این نبوت ممکن است بعد از این حالت رکود پیدا کند، افکار و اندیشه‌های مختلف در او وارد بشود، به قصرها برود، به کاخها برود، از سیر اصلی برگردد، ولی بعد کسانی باز مبعوث خواهند شد که دنبال همین حقیقت را خواهند گرفت. اینها هم دو مرتبه پیشتازند.

به‌شما ایرانیان بشارت که وقتی این آیه نازل شد یکی از اصحاب پرسید: یا رسول الله این "آخرین منهم" مردمی که بعد به این پیشتازها و پیشروان اول درفترت‌های زمان ملحق خواهند شد و پرچم توحید و تزکیه و تعلیم را بدست خواهند گرفت کیانند؟ اشاره نبرد و یا دست گذاشت به‌شانه سلمان، فرمود مردم این شخص: مردم مملکت این آدم. این بشارتی است. شاید امروز یکی از همان بشارتها تحقق پیدا کرده، شما باید مشعلدار توحید و اسلام در دنیای کفر و شرک و ماده پرستی باشید تا دنیا را نجات دهید، همانطوری که بعد از قرن اول اسلام ایرانیها بودند که اسلام را توانستند شکوفا کنند.

این همه علماء، این همه فقهاء، این همه اخباریون، این همه فلاسفه، این همه متکلمین، اغلب از شما ایرانیها بودند "و آخرین منهم لما یلحقوا بهم" از اینجهت باید متوجه باشیم ما مسوولیت سنگینی داریم. نه مسوولیت اجتماع خودمان، بلکه مسوولیت رهبری دنیا "کذا لک جعلناکم امة وسطا لتکونوا شهداء علی الناس و یكون الرسول علیکم شهیدا"

این دنیای سرگردان، این دنیای متحیر، این دنیای شرک و بت پرستی، انواع شرکها، بت پرستی‌ها، ماده پرستی‌ها، شاه پرستی‌ها، در اثر حرکت، در اثر جلورفتن بشر، اینها خود بخود همه سقوط کردند و می‌کنند، ولی یک شرک در دنیا فعلا "سایه افکنده، آنهم ماده پرستی



است. ماده پرستی بتمام معنا؛ اصالت ماده، مفروض یا مظهر ماده، پول و سرمایه: مسلمانهای دنیا امروز یک چنین رسالتی دارند که از این شرک قرن مردم دنیا را نجات دهند.

یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم ویعلمهم الکتاب والحکمة وان کانوا من قبل لفی ضلال مبین غفر الله لنا ولکم . ربنا ولا تحملنا ما لا طاقة لنا به واعف عنا واغفر لنا وارحمنا ، انت مولانا فانصرنا علی القوم الکافرین . رب اغفر لی ولوالدی وللمن دخل بیتی مؤمننا وللمؤمنین والمؤمنات ولا تذللنا الذلیلین الا تبارا .

ربنا اغفر لنا ولاخواننا الذین سبقونا بالایمان ولا تجعل فی قلوبنا غلا للذین آمنوا " خدایا از ما بگذر ، ما را عفو کن . پروردگارا آنچه که خیر و رضای تست ، آنچه که وسیله حرکت و حیات اجتماع ما است به ما الهام بفرما ! رهبرهای عظیم ما ، رهبر بزرگ ما ، همه اینهارا در تحت توجهات و عنایات و الهامات برای نجات این ملت و برای نجات مستضعفین و دچار شده های به شرک ، خدایا موفقشان بدار .

پروردگارا همه ما را به آنچه که رضای تو در آنست هدایت بفرما . دولت و ملت ما را برای نجات کشور و برای پیشبرد این اجتماع بپا خاسته برای همان هدفهایی که قرآن بیان کرده است موید و متصور شان بگردان .

\* \* \*

هفته آینده را حضرت آیه الله امام خمینی اعلام فرمودند برای همبستگی تمام جهان اسلام با مساله فلسطین که مساله بسیار مهم بزرگی ، از جهت وضع دنیا و از جهت وظائف مسلمین ، بخصوص مسلمانهای دنیا وظیفه بسیار مهمی است که برعهده فرد فرد مسلمانهای دنیا است ، برنامه هفته آینده که روز جمعه آخر ماه است ، همانطور که فرمودند ، انشاء الله بعد تنظیم خواهد شد .

کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

من مایلم بیشتر از این قدری صحبت می کردم . هم حال داشته باشم و هم شما آمادگی داشته باشید . بیشتر مطالبی که باید عرض کنم ، ولی هوای گرم و الحمد لله قبل از آمدن من هم برادر عزیزمان جناب آقای مجتهدی شبستری و هم آقای مهندس بازرگان که هم نخست وزیرند و هم مرد سیاستند و هم مرد دانشگاهی هستند و هم مفسر قرآن و فقیه در دینند ، دیگر ما نمی دانیم چه جور نمونه ای باید داشته باشیم ، شما را به مسائلی که باید متوجه کردند و من بیش از این مزاحم نمی شوم . والسلام علیکم ورحمت الله وبرکاته .